

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نویسنده: برایان برلنیک  
برگردان: جنوب جهانی  
فرستنده: علی مشرف  
۲۴ دسمبر ۲۰۲۴

## سوریه امروز، ایران فردا، و در نهایت چین



سقوط دولت سوریه در اواسط دسمبر ۲۰۲۴، نقطه عطفی در ستراتیژیهای ژئوپلیتیک ایالات متحده در خاورمیانه و فراتر از آن محسوب می‌شود.

\*\*\*\*\*

این رخداد با اهداف بلندمدت ایالات متحده همخوانی دارد، از جمله برنامه‌ریزی برای خلع سلاح، تقسیم و نابودی ایران و سرنگونی دولت این کشور، اخراج احتمالی پایگاه‌های نظامی روسیه از سوریه، و بهره‌برداری از سازمان‌های تروریستی تحت حمایت امریکا برای صدور تروریسم به کشورهای دیگر در منطقه و حتی مناطق دوردست مانند روسیه و چین.

**سقوط سوریه؛ هدفی دیرینه**

ایالات متحده از دهه ۱۹۸۰ به طور مکرر تلاش کرده است دولت سوریه را تضعیف و سرنگون کند. تازه‌ترین تلاش‌ها از سال ۲۰۰۷ آغاز شد، که در مقاله‌ای از سیمور هرش، روزنامه‌نگار مشهور، تحت عنوان «تغییر جهت» در مجله نیویورکر افشاء شد.

در این مقاله آمده است:

«برای تضعیف ایران، که عمدتاً شیعه است، دولت بوش عملاً تصمیم گرفته است اولویت‌های خود را در خاورمیانه بازتعریف کند. در لبنان، دولت ایالات متحده با دولت عربستان سعودی، که سنی است، در عملیات مخفیانه‌ای برای تضعیف حزب‌الله (سازمانی شیعه و تحت حمایت ایران) همکاری کرده است. ایالات متحده همچنین در عملیات مخفیانه‌ای علیه ایران و متحدش سوریه شرکت داشته است. یکی از پیامدهای این فعالیت‌ها، تقویت گروه‌های افراطی سنی است که ایدئولوژی جنگ‌طلبانه‌ای از اسلام را تبلیغ می‌کنند، دشمن آمریکا هستند و با القاعده همسو هستند. در همان سال، وزارت خارجه ایالات متحده آموزش، تجهیز و حمایت مالی از گروه‌های مخالف را برای بازگشت به کشورهای خود و سرنگونی دولت‌هایشان آغاز کرد. این اقدامات بخشی از برنامه‌ای بود که بعدها «بهار عربی» نام گرفت.

### تحولات بعد از ۲۰۱۱

پس از اعتراضات اولیه «بهار عربی» در سال ۲۰۱۱، تغییر رژیم مورد حمایت آمریکا به سرعت به خشونت تبدیل شد و در نهایت به درگیری‌های مسلحانه گسترده‌ای منجر شد؛ از جمله مداخله نظامی آشکار آمریکا در کشورهایی مانند لیبیا، سوریه و یمن.

در سال ۲۰۱۲، گزارشی از آژانس اطلاعات دفاعی آمریکا (DIA) منتشر شد که اذعان داشت مخالفان سوری شامل سلفی‌ها، اخوان المسلمین و القاعده هستند. در این گزارش آمده بود که «غرب، کشورهای خلیج [فارس] و ترکیه از مخالفان حمایت می‌کنند» و «در صورت وخیم‌تر شدن اوضاع، احتمال ایجاد یک امارت سلفی وجود دارد.» این دقیقاً همان چیزی بود که حامیان مخالفان می‌خواستند تا رژیم سوریه را منزوی کنند.

این گزارش بروشنی نشان می‌داد که «امارت سلفی» اشاره به «دولت اسلامی» یا همان داعش داشت. در حالی که غرب ادعا می‌کرد برای نابودی داعش در سوریه مداخله کرده است، در واقع از آن برای منزوی کردن دولت سوریه استفاده می‌کرد.

### سقوط سوریه و پیامدها

با ترکیبی از تحریم‌ها، حملات نظامی آمریکا و اسرائیل، و اشغال نظامی آمریکا و ترکیه در مناطق نفتی و گندمخیز سوریه، این کشور به تدریج تضعیف شد و در نهایت در دسامبر ۲۰۲۴ سقوط کرد.

### هدف بعدی: ایران

همانند سرنگونی لیبیا در سال ۲۰۱۱، سوریه نیز به یک کشور ناکام و تقسیم‌شده تبدیل خواهد شد که توسط ایالات متحده و متحدان منطقه‌اش برای صدور تروریسم به دیگر نقاط، از جمله لبنان (علیه حزب‌الله) و عراق (علیه شبه‌نظامیان تحت حمایت ایران) مورد استفاده قرار می‌گیرد.

همچنین سوریه اکنون می‌تواند به عنوان پایگاهی برای حملات مستقیم علیه ایران، از جمله از طریق استفاده از حریم هوایی بدون حفاظت سوریه، به کار گرفته شود.

یکی از موانع کلیدی که با سقوط دولت سوریه از بین رفت، نابودی تسلیحات نظامی این کشور، از جمله شبکه دفاع هوایی یکپارچه آن بود. با پیشروی نیروهای تروریستی تحت حمایت امریکا و ترکیه به سمت دمشق، جنگنده‌های اسرائیلی صدها حمله هوایی علیه سوریه انجام دادند و هم سیستم‌های دفاع هوایی و هم اهدافی که پیش‌تر توسط این دستگاه‌ها محافظت می‌شد، نابود شدند.

در مقاله‌ای از تایمز اسرائیل با عنوان «ارتش اسرائیل فرصت حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران پس از نابودی دفاع هوایی سوریه را می‌بیند»، ارتباط بین حملات اسرائیل به دستگاه‌های دفاعی سوریه و برنامه‌ریزی برای حملات مستقیم به ایران توضیح داده شده است.

این مقاله به اعداد و جزئیات نابودی دستگاه‌های دفاعی سوریه اشاره می‌کند:

«86 درصد از دستگاه‌های دفاع هوایی سوریه توسط اسرائیل نابود شده‌اند، شامل 80 درصد از سیستم‌های میان‌برد SA-22 و 90 درصد از دستگاه‌های SA-17 ساخت روسیه.

این حملات نشان‌دهنده کارایی دستگاه‌های دفاع هوایی روسیه بود که قبلاً اسرائیل و امریکا را مجبور به انجام حملات از فاصله دور می‌کردند. اکنون با نابودی این دستگاه‌ها، مسیر برای حملات مستقیم به ایران هموارتر شده است. مقاله اذعان می‌کند که نیروی هوایی اسرائیل اکنون «می‌تواند آزادانه در آسمان سوریه عمل کند» و احتمالاً این کار را هم برای ایجاد هرج و مرج در داخل سوریه و هم در حملات آتی به ایران انجام خواهد داد.

حذف سوریه به‌عنوان یکی از متحدان ایران، صرفاً بهره‌برداری از تحولات اخیر و غیرمنتظره نبود، بلکه پیش‌شرطی دیرینه و برنامه‌ریزی‌شده بود که پیش از حرکت به سمت سرنگونی ایران ضروری تلقی می‌شد.

این برنامه‌ها در سندی از مؤسسه بروکینگز، که تحت حمایت مالی دولت ایالات متحده و صنایع تسلیحاتی است، در سال 2009 تحت عنوان «کدام مسیر به سوی ایران؟ گزینه‌هایی برای یک ستراتیژی جدید امریکا در قبال ایران» منتشر شده است. در این سند به‌طور مشخص آمده است:

«اسرائیل ممکن است بیش از ایالات متحده مایل باشد که ریسک‌های تلافی‌جویی ایران و محکومیت بین‌المللی را بپذیرد، اما اسرائیل نیز آسیب‌پذیر است و ممکن است پیش از آمادگی برای حمله، درخواست‌هایی از ایالات متحده داشته باشد. برای مثال، ممکن است اسرائیلی‌ها بخواهند منتظر بمانند تا به توافق صلحی با سوریه دست یابند (به فرض این‌که اورشلیم معتقد باشد چنین توافقی در دسترس است) که می‌تواند به آن‌ها در کاهش واکنش‌های حزب‌الله و احتمالاً حماس کمک کند. در نتیجه، ممکن است بخواهند واشنگتن برای میانجیگری بین اورشلیم و دمشق فشار زیادی وارد کند.»

واضح است که جنگ اخیر اسرائیل با حزب‌الله و تغییر رژیم مورد حمایت امریکا در سوریه این پیش‌شرط را برآورده کرده است. تغییر رژیم در سوریه با استفاده از بسیاری از روش‌های ذکر شده در سند سال 2009، شامل «حمایت از یک قیام مردمی»، «حمایت از گروه‌های اقلیت و مخالف مسلح»، «حملات هوایی» و حتی «تهاجم نظامی» محقق شد. در حقیقت، این روش‌ها به‌طور مکرر علیه همه کشورهای که توسط ایالات متحده برای فشار و در نهایت تغییر رژیم هدف قرار می‌گیرند، استفاده می‌شود.

**تروریسم مورد حمایت امریکا علیه چین و پروژه‌های چینی**

علاوه بر هدف قرار دادن شبه‌نظامیان تحت حمایت ایران، دولت‌های همسو با ایران و خود ایران، ایالات متحده از سازمان‌های تروریستی مستقر در سوریه علیه سایر دشمنان خود، از جمله چین، استفاده کرده است. نشانه‌های متعددی وجود دارد که ایالات متحده ممکن است این سازمان‌های تروریستی را دوباره به سمت چین هدایت کند. این شامل گروه موسوم به «حزب اسلامی ترکستان (TIP) «یا «جنیش اسلامی ترکستان شرقی» (ETIM) می‌شود. نکته نگران‌کننده درباره TIP/ETIM این است که ایالات متحده این گروه را در سال ۲۰۲۰ به‌طور گمراه‌کننده‌ای از فهرست سازمان‌های تروریستی خارجی خود خارج کرد تا بتواند حمایت بیشتری از آن انجام دهد. دوپه‌وله در مقاله‌ای تحت عنوان «امریکا گروهی که چین آن را محکوم کرده است، از فهرست تروریستی حذف می‌کند» ادعا کرد که TIP/ETIM از فهرست تروریستی دولت ایالات متحده حذف شده است زیرا «بیش از یک دهه هیچ مدرک معتبری مبنی بر ادامه فعالیت آن وجود ندارد.»

این ادعا به وضوح نادرست است، زیرا وزارت دفاع آمریکا دو سال پیش از حذف این گروه، حملات هوایی علیه آن در افغانستان را تأیید کرده بود، همان‌طور که NBC News گزارش داده است.

اکنون این گروه، که دولت ایالات متحده ادعا می‌کرد وجود ندارد، در سوریه حضور دارد و طبق گزارش‌ها، یک واحد نظامی کامل در کنار هیأت تحریر الشام (HTS) تشکیل داده است HTS. توسط ایالات متحده به‌عنوان یک سازمان تروریستی خارجی شناخته شده است، در حالی که TIP/ETIM توسط سازمان ملل متحد و حتی متحد نزدیک واشنگتن، بریتانیا، به‌عنوان یک سازمان تروریستی فهرست شده است.

روزنامه تلگراف لندن در مقاله‌ای به تاریخ ۱۳ دسامبر ۲۰۲۴ تحت عنوان «جنگجویان اویغور در سوریه قسم خورده‌اند که بعد از بشار اسد به سراغ چین می‌روند» نوشته است:

«یک گروه شبه‌نظامی اویغور که در سرنگونی بشار اسد نقش داشت، قسم خورده است که جنگ را به چین بکشاند.» یک سازمان تروریستی مورد حمایت آمریکا که بتازگی یک کشور هدف آمریکا در خاورمیانه را سرنگون کرده است، اکنون وعده داده است که چین را هدف قرار دهد. این توانایی تنها با حمایت مداوم دولت ایالات متحده، از جمله آموزش، تسلیحات و لجستیک از طریق متحدان منطقه‌ای مانند ترکیه، ممکن شده است.

حتی اگر TIP نتواند به‌طور مستقیم وارد جنگ در داخل خاک چین شود، تلگراف در ویدئوی همراه مقاله می‌گوید: «آیا TIP می‌تواند جنگ را به چین بکشاند، کشوری که دارای بزرگترین ارتش جهان با ۲ میلیون سرباز فعال است؟ انجام چنین کاری دشوار است، اما TIP می‌تواند پروژه‌ها یا سفارتخانه‌های چینی در خارج از کشور را هدف قرار دهد.»

ایالات متحده پیش از این از حملات تروریستی خشونت‌آمیز علیه پروژه‌ها و سفارتخانه‌های چینی در خارج از کشور، از جمله در بلوچستان پاکستان و میانمار، حمایت کرده است. اکنون ارتشی از تروریست‌های باتجربه و مجهز که تازه از میدان نبرد سوریه بازگشته‌اند، آماده‌اند تا جنگ نیابتی آمریکا علیه چین را در طول مسیر طرح کمربند و جاده چین (BRI) و در نهایت علیه خود چین به‌طور چشمگیری تشدید کنند.

لازم به ذکر است که TIP/ETIM و افراط‌گرایان وابسته، سال‌ها تروریسم مرگباری را در منطقه سین‌کیانگ چین به راه انداختند. بی‌بی‌سی در مقاله‌ای در سال ۲۰۱۴ تحت عنوان «چرا بین چین و اویغورها تنش وجود دارد؟» فهرستی از خشونت‌های گسترده‌ای که بیجینگ در آن زمان تلاش داشت مهار کند، ارائه کرد. اما زمانی که تلاش‌های ضدتروریستی چین موفقیت‌آمیز شد، بی‌بی‌سی و سایر رسانه‌های غربی هرگونه اشاره به خشونت جدایی‌طلبان را حذف

کردند و تلاش‌های چین برای ریشه‌کنی افراطگرایی را به‌عنوان «نقض حقوق بشر»، «کار اجباری» و حتی «نسل‌کشی» معرفی کردند.

هیچ شواهدی از سوءاستفاده‌های سیستماتیک، از جمله «کار اجباری» یا «نسل‌کشی»، وجود ندارد. حتی سازمان‌های تحت حمایت مالی دولت ایالات متحده که مأمور تهیه گزارش‌هایی برای مستندسازی این ادعاها هستند، در گزارش‌های خود به کمبود شواهد اذعان می‌کنند.

یک گزارش در سال ۲۰۲۰ با عنوان «کار اجباری در سین‌کیانگ: انتقال نیروی کار و بسیج اقلیت‌های قومی برای برداشت پنبه» که توسط آدریان زنس، عضو بنیاد تحت حمایت مالی دولت ایالات متحده موسوم به «یادبود قربانیان کمونیسم» نوشته شده بود، در نتیجه‌گیری خود اعتراف می‌کند: «در سیستمی که انتقال بین امنیتی‌سازی و کاهش فقر بی‌وقفه است و تهدید بازداشت‌های خارج از چارچوب قانونی به‌طور جدی مطرح است، تعریف دقیق مرز بین اجبار و رضایت محلی ممکن نیست.»

این مورد نه تنها استثنا نیست، بلکه تقریباً تمام گزارش‌های منتشرشده در این زمینه یا مستقیماً توسط آدریان زنس تهیه شده یا توسط سازمان‌هایی که از دولت ایالات متحده بودجه می‌گیرند، مانند مؤسسه سیاست ستراتژیک استرالیا (ASPI) یا نهادهایی تحت حمایت مالی بنیاد ملی برای دموکراسی (NED) امریکا، نظیر کنگره جهانی اویغورها، پروژه حقوق بشر اویغور، کمپین برای اویغورها و پروژه پایگاه داده عدالت انتقالی اویغورها تهیه شده‌اند. این سازمان‌ها که خود را به‌عنوان «مدافعان حقوق بشر» معرفی می‌کنند، به‌طور آشکار در وب‌سایت‌های خود از منطقه سین‌کیانگ چین به‌عنوان «ترکستان شرقی» یاد می‌کنند و آن را «تحت اشغال» چین می‌دانند. هدف اصلی آن‌ها جدائی‌طلبی از چین است، اهدافی که با حمایت مالی سخاوتمندانه دولت ایالات متحده تقویت می‌شود.

به عبارت دیگر، ایالات متحده از خشونت مرگبار، جنبش‌های سیاسی جدائی‌طلب، و تلاش‌هایی که واکنش دولت چین به این موارد را به‌عنوان «نقض حقوق بشر» نشان می‌دهند، حمایت می‌کند. این امر به نوبه خود، تحریم‌های غیرقابل توجیهی را علیه شرکت‌های چینی که قصد فعالیت اقتصادی در مناطقی را دارند که تحت نفوذ غرب جمعی است، توجیه می‌کند.

### دفاع در برابر ابرسلاح و اشنگتن

در حالی که بسیاری تمایل دارند درگیری‌های جهانی را به‌صورت جداگانه بررسی کنند، واقعیت این است که ایالات متحده سیاست دیرینه‌ای را برای حذف تمامی رقبای خود دنبال می‌کند. این سیاست شامل اقتناع، اجبار، تحریم، شورش تحت حمایت ایالات متحده، تروریسم و رویارویی نظامی (چه به‌طور مستقیم و چه از طریق واسطه‌ها) است. سقوط سوریه و سایر کشورهایی نظیر آن به جهانی خطرناک‌تر منجر می‌شود، جایی که ملت‌های بزرگ‌تر و باثبات‌تر ممکن است هدف قرار گیرند، تضعیف شوند و در نهایت فروپاشند.

هرج‌ومرجی که پس از تغییر رژیم‌های ایالات متحده در صربستان، افغانستان، عراق، گرجستان، لیبیا، اوکراین و اکنون سوریه در قرن بیست و یکم به وقوع پیوسته، تنها بخش کوچکی از بی‌ثباتی، مرگ، ویرانی و فقر جهانی است که در صورت ادامه پیروزی‌های ژئوپلیتیک و اشنگتن، پیش روی جهان قرار دارد.

یکی از مؤثرترین و تاکنون بی‌پاسخ‌ترین سلاح‌هایی که دولت ایالات متحده از آن استفاده می‌کند، تسلط آن بر فضای اطلاعات جهانی و شبکه جهانی نفوذ سیاسی و کنترول آن است که حول بنیاد ملی برای دموکراسی (NED) و بنیادهای تحت حمایت دولت و شرکت‌ها شکل گرفته است.

قدرت نظامی و اقتصادی روسیه و چین همچنان در حال افزایش است و هر دو کشور موفق شده‌اند فضای اطلاعاتی داخلی خود را محافظت کنند. با این حال، ایالات متحده همچنان به تضعیف کشورهای اطراف روسیه و چین ادامه می‌دهد و آن‌ها را به ابزارهای سیاسی و حتی نظامی علیه این دو کشور تبدیل می‌کند.

اگرچه چین موفق شده افراطگرایی تحت حمایت ایالات متحده را در سین‌کیانگ ریشه‌کن کند، ایالات متحده همچنان این افراطگرایان را خارج از دسترس چین، به‌ویژه در سوریه‌ای که اخیراً ویران شده است، مسلح و حمایت می‌کند. از طریق کنترل و اشنگتن بر فضای اطلاعات خارج از چین، این تروریست‌ها به‌عنوان «مبارزان آزادی» معرفی می‌شوند، درست همان‌طور که ایالات متحده گروه HTS را علی‌رغم قرار داشتن در فهرست تروریست‌های وزارت خارجه آمریکا، تبلیغ می‌کند.

روسیه و چین به کشورهای شریک خود در دفاع از حوزه‌های سنتی امنیت ملی – هوا، زمین و ابحار – کمک می‌کنند، اما در صادرات موفقیت داخلی خود در امنیت فضای اطلاعاتی قرن بیست و یکم ناموفق بوده‌اند. اگر روسیه و چین در این زمینه موفق شوند، یکی از آخرین و مؤثرترین ابزارهای اشنگتن برای حفظ هژمونی جهانی خود از دست خواهد رفت و چندقطبی‌گرایی از یک امکان به یک واقعیت اجتناب‌ناپذیر تبدیل خواهد شد.

۲۲ دسامبر ۲۰۲۴